

حضرت امیر المؤمنین علی؛ دشنام دادن به مومن فسق است، جنگیدن با او کفر و احترام مالش، چون احترام خونش است.

اذان ظهر: ۱۲:۰۶ | غروب آفتاب: ۱۸:۳۲ | اذان مغرب: ۱۸:۵۰ | نیمه شب شرعی: ۲۳:۳۲ | اذان صبح فردا: ۰۴:۱۳ | طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۴۰

پدیرش آچی: ۸۳۳۳۱۰۰۰ | چاپ: همشهری | پدیرش آچی: ۲۸۰۷۵۰۰۰ | توزیع و اشتراک: موسسه گسترش امروز نوین | تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰ | تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قرینی، شماره ۱۴ | کد پستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ | تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵۵۴۴۴ | تلفن: ۲۲۰۳۳۰۰۰-۲۲۰۳۳۰۰۰ | شماره: ۲۲۰۴۰۶۷

همشهری: www.hamshahronline.ir | سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

صفحه آخر

حافظ به جانت ای بت شیرین دهن که همچون شمع شبان تیره، مردم فتنای خویشنت است

صفحه اول: علیرضا بهرامی

- صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سردبیر: دانیال معمار
دبیر تحریریه: سیدمجتبی صادقی
معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، علی عمادی، شاهین امین، حامد فوقانی
مدیر فنی: حامد یزدانی
مدیر هنری: مهدی سلامی
دبیر عکس: امیر بابیور

- سیاسی و دیپلماتیک: مدیر: حسین ارجلو
شورنگار: مدیر: پروانه بهرام نژاد
دبیر: مریم باقریور

- اقتصاد: مدیر: حسین لطفی
دبیر: مریم موسی پور

تهرانتگرام
محله تهرون قشنگه
امامزاده قاسم از آن دست محله‌هایی است که ساکنان قدیمی آن نسل اندر نسل هنوز از این محله مهاجرت نکرده‌اند. وجود باغ‌ها و سبزه‌زارها و خوش آب و هوا بودن ویژگی‌هایی بوده که اغلب باعث می‌شود مردم به این نقطه از شهر مهاجرت کنند و تعداد خانوارها و جمعیت ساکنان در آن بیشتر شود. یکی از ساکنان قدیمی محله امامزاده قاسم می‌گوید: بیلاقی تهران محله شمیرانات بود و خوش آب و هوا تر این نقطه شمیرانات کوه‌های امامزاده قاسم (ع). تهرانی‌ها ۳ ماه از سال را به این محله بیلاقی می‌کردند، آن هم با ۲۰ تومن. این محله به «تهرون قشنگه» معروف بود، چون از میدان امامزاده قاسم (ع) که به تهران نگاه می‌کردی، شهر بسیار زیبا بود.



گنجینه‌های متبرک

گزارشی از قرآن‌های نفیس موزه‌های تهران که برخی از آنها در جهان همتا ندارند

معجزه، امری حیرت‌انگیز است که دیگران از انجام آن احساس عجز می‌کنند و معجزه پیامبران، رفتاری شگفت‌انگیز است که انسان‌های نخستین را انگشت‌به‌دهان کرد و اگر حقیقت جو بودند، به پیامبران الهی ایمان می‌آوردند؛ معجزاتی چون گلستان شدن آتش و ازدها شدن عصا و زنده شدن مردگان اما انسان تکامل یافته، دیگر از دین چنین شگفتانه‌هایی، مبهوت



قرآن ضلعی: کتابت این قرآن ۸ ضلعی را به حدود ۶۶۰ سال پیش نسبت داده‌اند. ابعاد آن ۳۲ در ۳۲ سانتی‌متر است و ۳ صفحه افتتاحیه آن با نقوش مذهب و مرصع تزیین شده است و آیات آن با فاصله منحصری از هم متمایز شده‌اند. این قرآن از گنجینه‌های مستند سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران است.

قرآنی با خط غبار: قرآنی به خط غبار با کتابت سیدعلی که در سال ۱۲۲۴ شمسی کتابت شده است. این مصحف در قالب بندی‌های مربع شکل است و هر مربع، یک جزء قرآن را در دل خود جای داده است. از این اثر در گنجینه نسخ خطی کاخ گلستان نگهداری می‌شود.

قرآن زعفرانی: یکی از مهم‌ترین نسخه‌های قرآنی ترجمه‌شده به زبان فارسی، قرآن زعفرانی است که در قرن ششم هجری کتابت شده است. برخی معتقدند این مصحف، کهن‌ترین نسخه کامل و ترجمه‌شده و تاریخ‌دار در ایران است که از آن در موزه رضا عباسی نگهداری می‌شود. این موزه در خیابان دکتر شریعتی، نزدیک به بل سید خندان واقع است.

قرآن با خط کوفی: قرآنی ۱۴ پارچه روی پوست از قرن سوم هجری باقی مانده که برخلاف نسخه کهن به خط کوفی، احتمالاً کاتبی ایرانی داشته است. دلایش این است که در این نسخه از سنت پیوسته‌نگاری در کتابت حروف پیروی نکرده است؛ شیوه‌ای که در نسخه‌های عربی به چشم می‌آید. در واقع سبک خاص کاتبان ایرانی در آن روزگار آن بوده است که شکستن کلمات در انتهای سطر را ناپسند می‌دانستند. این قرآن در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود.

تهران نامه
حکایت پلی که دیگر نیست
جایی در مرکز تهران و محدوده تقاطع خیابان‌های انقلاب و سپاه پل چوبی نامیده می‌شود، اما هر قدر در این محله شلوغ و پررفت‌وآمد چشم بگردانید، ردی از پل یا نماد چوبی دیگری پیدا نمی‌کنید. برای یافتن دلیل این نامگذاری باید به دوره ناصرالدین‌شاه برگردیم. روزگاری که به دستور شاه در این محل یک پل چوبی ساخته شد، اما با اینکه پل در دوره پهلوی اول خراب شد هنوز این نام بر این بخش از تهران باقی مانده است. تهران‌شناسان درباره تاریخچه شکل‌گیری و وجه تسمیه این محله هم روایات کم و بیش مشابهی دارند. از جمله اینکه وقتی ناصرالدین‌شاه در سال بیستم پادشاهی خود به فکر گسترش و توسعه شهر افتاد و تصمیم گرفت محدوده شهر را فراعز کند، نیاز بود دروازه‌های پیشین که در عصر شاه طهماسب صفوی بنا شده بودند از میان برداشته شوند. در آن زمان، بیرون از دروازه‌های تهران، در جایی که غربت آباد نامیده می‌شد و اکنون میدان سپاه نام گرفته، کاخی برای شاه و همسرانش ساخته شد. از آنجا که در حد فاصل شهر و راهی که به این کاخ می‌رسید خندق عمیق و پرآبی با هدف دفاع از شهر حفر شده بود، برای سهولت در عبور و مرور شاه به این کاخ پلی چوبی روی آن ساخته شد و این محل پل چوبی نام گرفت. بعد از ساخت دروازه‌های جدید این خندق پر شد، اما هنوز هم این مکان را که در خیابان انقلاب فعلی قرار دارد، به نام پل چوبی می‌شناسند. البته در پایین‌تر از میدان سپاه و تقاطع خیابان‌های انقلاب و ابن سینا هم پلی معروف به پل چوبی وجود دارد که البته از چوب نیست.

تهران مصور
کشتی با خرس در طهران
در طهران قدیم و تا حدود دهه ۱۳۳۰ یکی از سرگرمی‌ها و تفریحات رایج مردم این بود که به تماشای اجرای برنامه توسط لوطی‌ها و معر که گبران بنشینند و از این اوقات لذت ببرند و به میزان بضاعت و وجیب خود صله‌ای به آنان مرحمت کنند. مردم کوچه و بازار از نزدیک و از قاب چشمانشان شاهد جنگ دلپراور و ترسانک میان آدم و حیوانی و وحشی مثل خرس بودند و این معر که زمانی به اوج خود می‌رسید که در این مبارزه یکی‌شان روی زمین می‌افتاد و این وقت بود که صدای جیغ و فریاد تماشاچیان به هوا بلند می‌شد. هر چند خرس بیچاره با غل و زنجیر مهار و قدرت‌ش در اختیار معر که گردان بود، اما تماشای صحنه کشتی آدم و خرس و تلاش برای شکست دادن رقیب خاطرات و لحظه‌هایی برای مردم آن روزگار رقم می‌زد که تا مدت‌ها آن را فراموش نمی‌کردند. معر که گبرها در طهران قدیم باتوق مشخصی نداشتند، هر چند بیشتر در گذرهای شلوغ و پررفت‌وآمد که احتمال جمع شدن مردم بیشتر بود، بساط خود را پهن می‌کردند. تماشای معر که گبری هم رایگان بود، اما معر که گبر تلاش می‌کرد با شگفت‌زده کردن مردم آنها را راضی کند که هنگام اجرای نمایش مبلغی به عنوان هدیه به او بدهند. از دوران قاجار تا آخر دوره پهلوی دوم، کار و بار معر که گبرها سکه بود تا اینکه به تدریج با ورود سرگرمی‌های بیشتر حضور معر که گبرها که حتی تا دهه‌های ۱۳۶۰ معر که گبرها هم در برخی محله‌های تهران بساط پهن می‌کردند، کم‌رنگ شد. تهران معر که گبرها معروفی داشت که برخی از آنها میان مردم به شهرت رسیده بودند.

سوزه روز
خون سبز در رگ‌های تهران
مدتی است ۱۸۹ دستگاه اتوبوس برقی هایگر وارد ناوگان اتوبوسرانی شده و خون سبز و تازه‌ای در خیابان‌های تهران به جریان افتاده است. تیروی محرک این اتوبوس‌های برقی را که در چین به نام اتوبوس‌های نیلگون معروفند، همان شرکتی تولید کرده است که باتری‌های اتومبیل‌هایی مثل تسلا را تولید می‌کند و با یکبار شارژ، قابلیت پیمایش ۲۵۰ کیلومتر را دارند. توسعه حمل‌ونقل عمومی برقی، یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های مدیریت شهری است که برای کاهش آلودگی هوا و حفظ محیط‌زیست در نظر گرفته شده است.

دبیروزنامه
قدم به قدم به سوی شهر آرمانی
۳۰ سال پیش در چنین روزی، در صفحه ۳ روزنامه همشهری خبر احداث میدان اصفهانک در منطقه ۱۴ شهرداری تهران، جلب توجه می‌کند. دیدن این خبر به ما یادآور می‌شود باینکه کالاشهر تهران هنوز که هنوز است با آن شهر آرمانی که مطلوب پایتخت کشور ایرانی اسلامی ماست فاصله دارد، اما بد نیست به خودمان یادآوری کنیم که شرایط کنونی تهران نیز با تلاش مدیریت شهری در ادوار گذشته و حال و کوشش‌های فراوان ساکنان پایتخت‌نشین به بار نشسته است و برای رسیدن به آن شهر آرمانی، باید دست‌به‌دست هم دهیم و هوای شهرمان را داشته باشیم.

معر که گبرها در تهران قدیم باتوق مشخصی نداشتند، هر چند بیشتر در گذرهای شلوغ و پررفت‌وآمد که احتمال جمع شدن مردم بیشتر بود، بساط خود را پهن می‌کردند. تماشای معر که گبری هم رایگان بود، اما معر که گبر تلاش می‌کرد با شگفت‌زده کردن مردم آنها را راضی کند که هنگام اجرای نمایش مبلغی به عنوان هدیه به او بدهند. از دوران قاجار تا آخر دوره پهلوی دوم، کار و بار معر که گبرها سکه بود تا اینکه به تدریج با ورود سرگرمی‌های بیشتر حضور معر که گبرها که حتی تا دهه‌های ۱۳۶۰ معر که گبرها هم در برخی محله‌های تهران بساط پهن می‌کردند، کم‌رنگ شد. تهران معر که گبرها معروفی داشت که برخی از آنها میان مردم به شهرت رسیده بودند.